

سیر تحول عرفان در ایران باستان

(از سومر تا پایان ساسانیان)

پروفسور دکتر فاروق صفی زاده

سورشناسه	صفی زاده. فاروق. ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	سیر تحول عرفان در ایران باستان (از سومر تا پایان ساسانیان) / فاروق صفی زاده.
مشخصات نشر	تهران: ایران جام. ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۴۷۲ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۳۷۹-۸۰-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیب
موضوع	زردشتیه و پیامبر ایرانی
موضوع	Zoroaster
موضوع	عرفان -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
موضوع	عرفان زردشتی
موضوع	ایران -- دین -- تاریخ -- پیش از اسلام
رده بندی دکر	۱۵۹-۱۳۹۳ ۷ص ۴۴/ع
رده بندی دهجی	۹۵۵/۲۹۵-
شماره کتابفروشی ملی	۴۳۴۸۶۹۱

نام کتاب: سیر تحول عرفان در ایران باستان

(از سومر تا پایان ساسانیان)

نویسنده: پروفسور دکتر فاروق صفی زاده

ناشر: انتشارات ایران جام

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

سال چاپ: ۱۳۹۳ خورشیدی ۹۱۴۳ مادی

نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۷۹-۸۰-۸

سازمان چاپ و انتشارات ایران جام (مرکز نشر و پژوهش های ایران شناسی)

تهران، خیابان آزادی، جنب پارک اوستا، کوچه کیان مهر، پلاک ۸، زنگ اول

تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۳۱۷۱

فهرست

۹	پیشگفتار
۲۰	آئین مسیحیت نیز اقتباس از دین مهر است
۲۹	آیین ایرانیان پیش از زردشت
۳۱	سخنی چند از شاهنامه
۳۷	سرچشمه عرفان ایران
۳۷	خودآگاهی
۳۹	طریقت مهر
۳۹	هفت پله طریقت مهر
۴۲	پیر مغان
۴۴	رمز کشتن گاو در طریقت مهر
۴۶	رمز می در عرفان ایران
۴۸	مولانا جلال الدین محمد بلخی
۵۵	دین در ایران باستان
۷۵	زروان
۹۲	چگونگی برخورد با آراء زروانی در کتب کلامی متأخر مزدیسنا
۹۷	دین ودایی
۹۹	دین برهمنی (برهنیزم)
۹۹	خدایان دین برهمنی
۱۰۰	کاست یا طبقات اجتماعی
۱۰۱	کتب مقدس برهمنی
۱۰۲	تناسخ (سمساره و کرمه)
۱۰۴	۳. هندوئیزم جدید (هندو به معنی خاص)
۱۰۴	تحول دین برهمنی
۱۰۵	مقاصد چهارگانه زندگی: (کامه، دهرمه، ارته، مکشه)
۱۰۵	۱. کامه Kama و آن به معنی کامرانی و طلب لذایت

۱۰۵	۲. آرتهه Artha
۱۰۵	۳. دهرمه Dharma
۱۰۶	۴. مکشه Moksha
۱۰۶	سه طریق نجات
۱۰۶	۱. طریقه عمل
۱۰۶	۲. طریقه علم
۱۰۷	۳. طریقه اخلاص (بهکتی)
۱۰۷	مکتب‌های فلسفی دین هندو
۱۰۸	مکتب سانکھیہ
۱۰۸	طریقه یوگا
۱۰۹	۱. دوری از امیال نفسانی
۱۰۹	۲. رعایت نظام یوگا
۱۰۹	۳. جلوس بر طرز معین
۱۰۹	۴. تنظیم تنفس
۱۱۰	۵. ترک محسوسات
۱۱۰	۶. تمرکز حواس
۱۱۰	۷. مراقبه و تفکر
۱۱۰	۸. مرتبه‌ی نهایی یا «ایشوارا»
۱۱۰	خدایان و مذاهب هندو
۱۱۱	برهما
۱۱۱	شیوا
۱۱۵	آیین مهر (میترائیسم) پایه‌گذار آئین مسیح
۱۲۲	تاریخچه رواج آئین مهر در اروپا
۱۲۶	پیام مهر عرفان ایران
۱۳۴	مهرپرستی چیست
۱۳۵	اساطیر
۱۳۷	مراسم میتراپی و محل عبادت
۱۳۹	شریعت میتراپی
۱۴۱	مونومان‌ها و سنگ نبشته‌ها
۱۴۳	ستاره‌شناسی و علم هیئت
۱۴۴	موارد توافق و اختلاف مهرپرستی با عیسویت
۱۴۶	شباهت با یهودی‌گری
۱۴۶	شباهت با آیین هندو

۱۴۷	شباهت مهرپرستی با تصوف اسلامی
۱۴۷	خلاصه‌ی مهرپرستی
۱۴۸	علل شکست مهرپرستی
۱۵۰	اخلاقیات میترایی
۱۵۰	زهد میترایی
۱۵۳	تاریخ تولد و ظهور زردشت
۱۶۰	محل تولد و ظهور زردشت
۱۶۴	چگونگی شهادت زردشت
۱۶۶	تأثیر افکار زردشت در سقراط و افلاطون
۱۷۱	آیین آریایی
۱۷۴	خدای بزرگ
۱۷۶	میتره (مهر)
۱۷۷	رب النوع آتش
۱۷۹	دوگانگی
۱۸۱	ابرها
۱۸۲	ایندره
۱۸۳	وریتره و اهی
۱۸۵	سومه
۱۸۷	منتره
۱۹۳	۱- یکتایی اهورامزدا
۲۰۳	فرشته در دین زردشت
۲۰۹	نیک و بد در پیش زردشت
۲۱۵	نماز
۲۱۶	آشَم و هو
۲۱۷	یتا هو
۲۱۸	اشویی
۲۱۸	امشاسپندان اشو
۲۱۹	ایزدان اشو
۲۱۹	سروش اشو
۲۱۹	فره وهران اشو
۲۱۹	بهشت برای اشوان
۲۱۹	بهشت پاکان
۲۱۹	پاکان مینویی

۲۲۰	اشوان گیتی
۲۲۰	از نماز ایوه سروتریم
۲۲۱	خوشنود ساختن اهورامزدا و دوری از انگره مینو
۲۲۲	نماز به نرای اهورامزدا
۲۲۴	فلسفه نماز و نیایش ها
۲۲۸	پرتوهای اهورامزدا
۲۴۶	بعضی تأثیرات مهر پرستی در دین زردشت و زردشتیان
۲۴۷	الف: زمان زردشت
۲۴۷	نظریه ی سستی زردشتی
۲۴۷	فرجام شناسی
۲۴۹	نظریه ی فلاسفه و حکمای یونان باستان
۲۴۹	نظریه ی سوم
۲۵۰	ب: زادگاه زردشت
۲۵۲	ج: خانواده ی زردشت
۲۵۳	زندگی زردشت
۲۵۴	د: عقاید زردشت
۲۵۸	ه: عقاید زردشتیان بعد از زردشت (تغییرات و انحرافات)
۲۵۹	تغییر در نبوت
۲۵۹	تغییر در معاد
۲۶۰	مغ
۲۶۱	و: آوستا
۲۶۳	زرتشت
۲۶۵	مولد و منشأ زرتشت
۲۷۶	خانواده زرتشت
۲۷۹	تبعید و مهاجرت زرتشت
۲۸۳	شخصیت زرتشت
۲۸۶	دفرم زرتشت
۲۹۰	تعلیمات زرتشت
۲۹۲	پیروان زرتشت
۲۹۳	شهادت زرتشت
۲۹۶	عرفان کورش
۲۹۶	مسیح عهد عتیق، ذوالقرنین قرآن
۲۹۷	قوم یهود

۲۹۷	کوروش در عهد عتیق
۳۰۰	کوروش کبیر
۳۰۰	در عهد عتیق کتاب مقدس یهود
۳۰۹	مسأله‌ی ذوالقرنین و عقاید مفسران و محققان
۳۱۲	طبری و بلعمی
۳۱۸	ابوریحان بیرونی
۳۲۲	مجمل التواریخ و القصص
۳۲۲	غزالی
۳۲۳	ابوبکر سوریادی
۳۲۶	ابن البلخی
۳۲۷	مقریزی
۳۲۹	ابن الاثیر و سماعانی
۳۲۹	غیاث‌الدین خواندمیر
۳۳۰	صاحب کتاب ذوالقرنین
۳۳۲	قاموس الاعلام
۳۳۳	دائرةالمعارف اسلام
۳۳۴	مولانا ابوالکلام آزاد
۳۳۴	مؤلف تاریخ انبیاء
۳۳۶	نویخت
۳۳۹	پروفسور طاهر رضوی
۳۴۱	منابع دیگر
۳۴۱	ذوالقرنین کیست؟
۳۴۳	ذوالقرنین در توراة
۳۴۸	ذوالقرنین، مرد پارسی، کوروش کبیر است یا داریوش بزرگ؟
۳۵۵	مانی پایه‌گذار آئین ژرفگرایی
۳۵۷	اصل و مبدأ آئین مانی و علل ظهور آن
۳۵۹	اصول و عقاید آئین مانی
۳۶۳	واقعة اعدام مانی
۳۶۶	عقاید مانی
۳۶۸	جهان‌شناسی مانی
۳۶۹	طبقات جامعه‌ی دین مانی
۳۷۰	ادبیات مانوی
۳۷۲	تأثیر ایرانیان در جریان‌های فکری جهان

۳۷۵	مزدک نخستین سوسیالیست جهان
۳۷۷	بررسی علت بروز و رواج آئین مزدک
۳۸۰	تعالیم آئین مزدک
۳۸۲	عدالت و برابری در آئین مزدک
۳۸۳	توجه مخصوص مزدک به موضوع زناشوئی
۳۸۵	سرکوبی و کشتار دسته جمعی مزدکیان
۳۸۶	علت شکل گیری جنبش مزدک
۳۸۸	اصول و اعتقادات دین مزدک
۳۹۰	ظهور مزدک و علل آن
۳۹۳	اصول عقاید و تعالیم مزدک
۳۹۹	دین بودایی
۴۰۱	انتشار دین بودا
۴۰۱	چهار حقیقت اصلی دین بودا
۴۰۳	نیروانا
۴۰۳	فلسفه و تناسخ در دین بودا
۴۰۵	فرقه های مختلف دین بودا
۴۰۹	دستاویزها و آبخورها

پیشگفتار

در این هیچ شکی نیست که خاستگاه تصوف و عرفان در جهان، گسترده‌ی ایران زمین بوده، همانگونه که نخستین آیین‌ها و مکاتب فلسفی و عرفانی، هم چون آیین مهر و زروان و مزدیسنا، از این سرزمین باستانی بود که تأثیر این آیین‌ها را ما در همه‌ی ادیان و مذاهب جهانی می‌بینیم.

آلبرماله در کتاب تاریخ ملل شرق و یونان خود می‌نویسد: «ایرانیان قومی متمدن هستند. راستی و رعایت قوانین از ویژگی‌های تمدن ایرانیان شمرده می‌شود». هرودت نیز می‌نویسد: «مردم ایران، هیچ چیز را به قدر دروغ موجب شرمساری نمی‌دانند».

داریوش مادی در سنگ نبشته‌اش می‌نویسد: «بخواست اهورامزدا، من چنینم که راستی را دوست دارم و از دروغ روی گردانم. دوست ندارم که ناتوانی از حق‌کشی در رنج باشد. همچنین دوست ندارم که به حقوق توانا به سبب کارهای ناتوان آسیب برسد. آنچه را که درست است، من آن را دوست دارم. من دوست برده‌ی دروغ نیستم. من بدخشم نیستم. حتی وقتی خشم مرا می‌انگیزاند، آن را فرومی‌شانم. من سخت بر هوس خود فرمانروا هستم».

چنین بیانی‌ای از زبان یک پادشاه ایرانی، در آن هنگامه، به معجزه می‌ماند. در نظام پادشاهان ماد و هخامنشی، حتی کودکان خردسال از پوشش خدمات حمایتی اجتماعی بهره می‌گرفته‌اند. مادران از مرخصی و حقوق زایمان و نیز حق اولاد استفاده می‌کردند.

حقوق زن و مرد برابر بوده و زنان امکان داشته‌اند کنار نیمه وقت انتخاب کنند تا از عهده‌ی وظایفی که در خانه و بخاطر خانواده داشته‌اند، برآیند، که تمامی اینها بخاطر عرفان خاص آریایی برگرفته از ادیان ایرانی بوده است.

در سایه‌ی چنین فرهنگ و روش‌های انسانی عرفانی آریایی، اقوام ایرانی توانسته‌اند انتظار مردم دنیای کهن را به خود جلب نموده و فرهنگ و تمدن و حکومتی را به وجود آورند که در حد وسیعی الگو و سرمشق جهان قدیم بود.

اولین منشور آزادی که توسط مردم جهان، حضرت ذوالقرنین قرآن، کورش کبیر مادی صادر شده، عرفان ناب آریایی را می‌نمایاند که در آن دوره‌ی کشت و کشتار و ددمنشی و بربریت، همه‌ی مردم جهان را از یوغ ستم و ظلم و وحشی‌گری می‌رهاند:

من در بابل و همه‌ی شهرهایش، برای سعادت و نیک‌بختی ساکنان و مردم بابل که خانه‌هایشان مطابق خواست خدایان نبود، کوشیدم... مانند یک یوغ که بر آن‌ها روا نبود. من و پیرانه‌هایشان را ترمیم کردم و دشواری‌های آنان را آسان نمودم. مردوک خدای بزرگ از کردار پارسایانه‌ی من خشنود گشت. خدایانی که در آنها زندگی می‌کردند، من آنها را به جایگاهشان بازگردانیدم و پرستش‌گاه‌های بزرگ برای ابدیت ساختم. من همه‌ی مردمان را گرد آوردم و آنها را به موطن‌شان بازگردانیدم».

و اینگونه در تورات، کتاب مقدس یهودیان، کورش مادی به‌عنوان مسیح نام برده می‌شود: «من دست راست مسیح خود کورش را گرفتم تا به وسیله‌ی وی، امت‌ها را مغلوب سازم، کمرهای پادشاهان را بگشایم. درها را به روی او باز کنم. او شبان من است. من او را به دادگری برانگیختم و همه‌ی راه‌هایش را راست خواهم کرد».

فلسفه نیز که از دیدگاه ایرانی، جزو عرفان محسوب می‌شود، از کهن‌ترین زمان‌های تاریخی، در ایران به معنی دیدگاهی درباره‌ی جهان هستی، و آغاز و انجام موجودات وجود داشته است، از دیدگاه آموزش‌های زردشتی، جهان محسوس تحت سلطه‌ی جهان نورانی و ملکوتی قرار گرفته و از برای هر نوعی در این عالم، صنم و طلسم و رب‌النوعی در عالم فرشتگی شناخته شده است. از بنیاد اندیشه‌ی زردشتی، نبرد بین دو نیروی نیکی و بدی و پیروزی نهایی نیروهای آهورامزدا بر سپاه اهریمنی است.

مانویت نیز یک جهان‌بینی و جهان‌شناسی عرفانی دارد که عالم را به‌صورت زندانی می‌بیند که ذرات نور از عالم بالا سرچشمه گرفته و در آن محبوس شده و انسان فقط به وسیله‌ی تهذیب و تکامل روح، از این عالم نجات می‌یابد.

آیین زروانی، منشعب از آیین مهر، از آیین‌های فلسفی پس کهن است. زروانیان که زمان را صاحب‌زمان می‌نامند، گویند: زمان مطلق یا غیرمحدود، دو فرزند توأمان آورد:

یکی اورمزد و دیگری اهریمن، به عبارت دیگر مبدأ خیر و مبدأ شر. اورمزد و اهریمن، یک وحدت متساوی در قدرت هستند و همواره در جدال و نزاع و دو قوه‌ی متعادلند که یکی بدون دیگری برپای نباشد و این خود نمونه‌ی کوششی است که زروانیان برابر وحدت بخشیدن آن دو مبدأ به کار بردند. این وحدت بخشیدن امری نسبی است یعنی در عین جوهریت، به‌صورت مزدوج نیست.

از عقایدی که در ایران باستان دیده می‌شود، اعتقاد به صاحب‌الزمان و سوشیانت یا نجات دهنده و موعود است. این اعتقاد را در آیین مهر، زروان و مزدیستا و سپس آیین‌های ایرانی مانی و بودا و غیره می‌بینیم. میترا در آیین مهر، صاحب زمان یا زروان و سوشیانت و فارقلیط و غیره، موعودهای آیین‌های ایرانی هستند که خواهند آمد و جهان را به یک جهان به دور از رنج و تاریکی و غیره تبدیل خواهند کرد. زمان فرسگرد آغاز خواهد شد و تاریکی اهریمن از میان خواهد رفت.

زردشت که خود از موبدان مغانی مهری بود، در آیین مهر نوآوری‌هایی به وجود آورد و

آیین جدید خود را مزدیسنا نام نهاد. زردشت آیین پیشین ایرانیان را اصلاح کرد و مردم را در طریق یکتاپرستی رهبری نمود. اخلاقی بزرگ تربیتی عرضه داشت. قبل از هرچیز دین زردشت، پرستش خداوند متعال، خداوند جان و خرد آهورامزدا یا اورمزد است. آفریننده‌ای که نورانی، با عظمت و بسیار خوب و زیباست. خداوند خلوص و حقیقت است. تمام مواهب ارزنده از اوست که سرآغاز آنها موهبت زندگی و همچنین جاودانگی است. هیچ خدایی در ازمنه کهن تا این اندازه به توحید نزدیک نیست.

جالب اینجاست در آیین زردشتی، اهریمن یا شیطان زائیده‌ی اندیشه‌ی مردمان است و هیچگاه نیرویی بزرگ در برابر خداوند نیست.

زردشت بر این باور است که زمین باید وسیله‌ای باشد که مانع نفوذ اهریمنان به آسمان گردد. هر یک از افراد مردم باید در مبارزه‌ای سهیم گردند که نتیجه‌ی آن پیروزی نیکی در جهان است. وجود هر انسانی بر معنی و بی‌نهایت ارجمند است. بنابراین اخلاقی پدیدار می‌گردد که منشأ مذهبی دارد و تکالیف انسان را ارزش بسیار می‌بخشد. هرکس که در طریق آهورامزدا قدم بردارد، نیکوکار است و هرکس موانعی ایجاد کند و یا کامیابی راه حق را به تأخیر اندازد، بدکار است. اولین وظیفه‌ی آدمی پرهیزگاری (تقوا) و دومین وظیفه، اخلاص و پیروی از راستی و درستی است.

دین زردشت در حالی که دارای ارزش اخلاقی بسیار است، به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی نیز توجه دارد. با چادرنشینی مبارزه می‌کند و ظرفدار اسکان مردم و خانه‌سازی است. تربیت چهارپایان اهلی و مراقبت از آنان در چراگاه‌ها، زندگی خانه‌نشینی، داشتن خانه یا محل سکونت مناسب، رفتار نیکو با حیوانات، از دستورات دین بزرگ ایران باستان است. با قربانی کردن از طریق ریختن خون حیوانات مخالف است. مؤمن حقیقی دهقانی است خدمتگزار واقعی و مربی چهارپایان مفید. سرپرست خانه و بزرگ ده درست کار، بنابراین شغل اصلی، کشاورزی و مراقبت از چهارپایان است. انسان باید جسم خود را قوی سازد و تعداد آفریدگان آهورامزدا را افزایش دهد.

از ویژگی‌های بزرگ مزده یسنی، اهمیت فوق‌العاده‌ای است که در این آیین به راستی داده شده است. راه در جهان یکی و آن راستی است. با معرفی راستی به عنوان بنیاد آیین خود، زردشت کیش خویش را بر پایه‌ای استوار بنا نهاد. زیرا راستی سرمایه‌ی همه‌ی نیکی‌هاست.

«ای خداوند من! به توسط راستی ما را در پناه خود گیر تا ضمیر پاک و منش نیک به سوی ما روی آورد.»

«تا مرا تاب و توانی هست، آموزش خواهم داد که مردم به سوی راستی روند.»

«کی ای مزدا! سپیده‌دم به درآید و گونه‌های مردم به سوی راستی روی کند.»

«ای مزدا! پایه‌ی آیین ما به روی راستی نهاده شد. از این رو سودبخش است. پایه‌ی کیش

نادرست به روی دروغ نهاده شد. از این رو زیان‌آور است.»

«بشود که در این دودمان راستی بر دروغ چیره گردد.»

و این عرفان آریایی ایرانی است که پیامبر مکرم اسلام (ص) در حدیثی شریف می‌فرماید: «لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مُعْلَقًا بِالثَّرْتَا لَنَا لَهُ الرِّجَالُ مِنْ قُرْسٍ». «اگر دانش بر گردن آسمان درآویزد، قومی از مردم ایران بدان می‌رسند و آن را به چنگ می‌آورند.»

در آثار عرفانی ما، به‌خصوص پس از اسلام، مسأله‌ی وحدت وجود را می‌بینیم که از اصول بنیادین عرفان آریایی است. وحدت وجود که گروهی کثیر از عرفا و صوفیه و فلاسفه‌ی الهی و اشراقی گفته و بدان معتقد شده‌اند، به این معنی است که وجود (هستی) یک حقیقت است نه حقایق مجابین، چنان‌که جمهور فلاسفه‌ی مشایی گفته‌اند: وحدت وجود وحدت حقه‌ی حقیقه‌ی است یعنی وجود عین وحدت است بدون این که احتیاج به واسطه‌ی در عروض یا واسطه‌ی در ثبوت و اثبات داشته باشد. و نیز از نوع وحدت عددی یا وحدت نوعی و جنسی و امثال آن نیست، بلکه مانند ذات یگانه‌ی واجب‌الوجود است که هیچ قسم کثرت ذهنی یا خارجی در آن راه ندارد و این جهت است که می‌گویند واجب‌الوجود، صرف وجود و نفس وجود است و ماهیت او عین تحقق و عینیت است و بالجمله می‌گویند: وجود یک حقیقت بیش نیست و همان حقیقت واحد فرد یگانه است به اختلاف درجات و مراتب شدت و ضعف، و نقص و کمال و فقر و غنی و قلت و کثرت، در سراسر موجودات از واجب و ممکن سریان دارد و در این جهت وجود را به نور تشبیه می‌کنند؛ به این مناسبت که نور نیز یک حقیقت است که بر حسب شدت و ضعف و قلت و کثرت در درجات و مراتب مختلف ظاهر می‌شود، پس اختلاف مراتب وجود نیز مانند اختلاف درجات و مراتب نور است. بلکه می‌گویند وجود، عین حقیقت نور است. چرا که در تعریف نور می‌گوییم، آن است که ظاهر به ذات و مظهر غیر باشد و این خاصیت کاملاً و حقیقتاً در وجود موجود است. برای این که خود او ذاتاً ظاهر و آشکار است، مایه و منشأ ظهور ماهیات نیز هست و اختلاف صور و اشکال موجودات، یا اختلاف مظاهر وجود همه به سبب همان ماهیات است که تباین و تغایر ذاتی با یکدیگر دارند. خلاصه این که می‌گویند وجود در عین وحدت حقیقه، هم چون کلی مشککه است، اما به تشکیک خاص که مایه‌الامتياز عین مایه‌الاشتراک باشد، یعنی اختلاف مراتب و درجات وجود به سبب شدت و ضعف و نقص و کمال همان وجود است نه شایبه‌ی امر دیگر چنان‌که اختلاف درجات نور نیز به سبب شدت و ضعف همان نور است نه مداخله‌ی امر دیگر.

کسانی که معتقد به وحدت وجودند، اکثر قائل به اصالت وجود نیز هستند، اتفاقاً جمعی از محققان فلاسفه‌ی مشایی نیز به اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیات گرویده‌اند، یعنی می‌گویند که اصل در تحقق و فعلیت خارجی و آن چه ذاتاً متعلق جعل علت اولی واقع شده همان وجود است و ماهیات و تعینات همه امور اعتباری است که از حدود و مراتب وجود انتزاع می‌شود.

وحدت وجود عرفا و صوفیه، که از بعضی جهات با مسأله‌ی اشتراک معنوی وجود

فلاسفه مرتبط می‌شود، این است که مفهوم هستی یک مصداق حقیقی بیشتر ندارد و در سر تا پای عالم وجود یک موجود بیشتر نیست که در آینه‌های رنگارنگ ماهیات و تعنیات و مظاهر مختلف جلوه‌گر و نمودار شده است و هرکه جز یکی ببیند، و توهم کنند، از قبیل دویینی چشم احوال است و همان موجود واحد حق است که به ظهور نورانی در پیکر عالم وجود سریان دارد.

حق جمله جهان است و جهان جمله بدن، بطوری که هیچ موجودی از جلوه و ظهور او خالی نیست و آن موجود هم از عالم شهود بیرون نیست. عین موجودی مخصوص هم نیست. و «هومعکم این ما کنتم / حدید. و اینما تولو افشم وجه الله» بقره. «و نحن اقرب الیه من جبل الورد» / ق. و در روایت است که در وصف خداوند عالم سبحانه و تعالی گفتند: داخل فی الاشیاء لا بالممازجه و خارج من الاشیاء لا بالمزایله / امام علی (ع)

بهترین مثال برای وحدت موجود و ظهور و تجلی حق تعالی، در موجودات، که بسیاری از عرفا آن را سریان وجود و اتحاد وجودی و اتحاد ظهوری یا اتحاد ظاهر و مظهر تعبیر کرده و بعضی آن را حلول و اتحاد گفته‌اند، همان نفس ناطقه‌ی انسانی است. و فی انفسکم افلا تبصرون / ذاریات.

بر پایه‌ی متون باستانی ایرانی، عرفان رابطه‌ی تنگاتنگی با دین دارد و هر دینی دارای عرفان خاص خود می‌باشد. کهن‌ترین خدایان قوم آریا بر پایه‌ی عرفان نامگذاری شده‌اند، از جمله خدای راستی، مهریانی، عشق، محبت، وفاداری، درست پیمانی، راستگویی، شعر و موسیقی و رقص، کشاورزی، شکار، تندرستی، پیشگویی، شراب، عدالت، قناعت و... از جمله دوره‌ی پیش از زردشت، خدایی است بنام ورثرغنه که رب النوع رعد بوده است. واژه‌ی ورثرغنه سپس تبدیل به وره‌رام و بعد بهرام شده است. خدای دیگری داشتند به نام مهر که خدای آفتاب بوده است. آفتاب را چشم آسمان و رعد را پسر آن می‌دانستند و کم‌کم این عناصر طبیعت که نخستین معتقدات را تشکیل می‌دادند، در دین زردشت به یک عده معاونان و دستیاران اهورامزدا تقسیم شده‌اند که از نظر اهمیت دو دسته هستند. دستیاران درجه اول حکم ملایکه‌ی مقرب را دارند که امشاسپندان هستند و دستیاران درجه دوم یَزته‌ها یا ایزدان هستند که معاونین امشاسپندان می‌باشند. از آن طرف هم انگره مینو یعنی اهریمن است که او نیز عده‌ای معاون دستیار دارد که مهم‌ترین آن‌ها دروغ و اژدهاست. (دروغ به معنی: دو رویی)

معتبرترین سند تاریخی که امروز در دست داریم، این است که در جزو متون هیتی‌های آریایی در آسیای صغیر، سندی است که از چهارده قرن پیش از میلاد که در حفاریات بغاز کوی نزدیک آنکارا در پایتخت دولت هیتی به دست آمده و شامل عهدنامه‌ای است در میان اقوام میثانی شمال میان رودان و دولت هیتی. در این عهدنامه سران هیتی به خدایان آریایی ایرانی مانند میثره و ورونه خدای آسمان و این دوره، خدای جُنت سوگند یاد کرده‌اند. این

سند بهترین دلیلی است که آریاییان ایرانی لااقل در قرن چهارم پیش از میلاد، شرایع مدون داشته‌اند.

اطلاعاتی که از دین مهرپرستی داریم، می‌رساند که دین مدون و آیین مرتبی بوده و اصول مسلمی داشته است. بدینگونه مرحله‌ی کمال آیین دیگری بوده که به مرور زمان بدین پایه از تکامل رسیده بوده است.

از قرن چهاردهم پیش از میلاد، در ایران و آسیای صغیر از دین مهرپرستی آگاهی داریم و در اسناد هیتی نام سه تن از خدایان این دین ایرانی آمده است. در مهرپرستی مهر که در آیین زردشت نیز باقی مانده و نام آن امروز نیز هست، رکن نهم این آیین کهن به شمار می‌رفته و از زمان‌های بسیار قدیم جزو معتقدات آریاییان ایرانی و هندی بوده است. دانشمندان معتقدند که این خدا پادگار روزگاری است که آریاییان هندی و ایرانی در یک جا با هم می‌زیستند و تمدن و دین مشترکی داشته‌اند. خدایان دیگرشان در میان هندوان به نام اسوره و در آوستا بنام آهوره و در میان هندوان و آوستا ایندوره و ناسیته و نانهیته بوده است.

این نام‌ها نخست در لوحه‌ای به خط میخی به دست آمده که در سرزمین کاپادوکیه در آسیای صغیر یافته‌اند و آن را برخی از قرن پانزدهم پیش از میلاد می‌دانند. در این لوحه همچنان که در ریگ ودا دیده می‌شود، نام میثره با نام ایندوره و وارونه توأم شده است.

آیین مهرپرستی پس از آن که در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، نخست در آسیای صغیر و در کتیبه‌های هیتی پدیدار شده، پیش از دو هزار سال در جهان متمدن رواج داشته و از راه آسیای صغیر و آسیای غربی به اروپا رفته و در آن جا قرن‌های بسیار، عده‌ی بی‌شماری از مردم پیرو این آیین بوده‌اند.

بدین‌گونه می‌توان گفت نخستین دینی که آریاییان ایرانی پس از استقرار در ایران و شهرنشینی شدن تدوین کرده و بصورت شریعت مدون در آورده‌اند، و از ایران به خارج رفته و بر همه‌ی ادیان دیگر نیز تأثیر نهاده، مهرپرستی است.

در این نیز هیچ شکی نیست که ایران اولین کشوری است که در جهان خدای یگانه را شناخته و به مردم سایر ملل شناساند. تا این موقع هر قوم را بتی و خدایبی و رب‌النوعی خاص بود که حامی شهر یا دیار و کشور آن قوم بودند، ولی خدایی که جهان و زمین را آفریده باشد، و مردم را بطور کلی خلق کرده باشد و شادی را برای مردم آفریده باشد برای آنها مفهومی نداشت. مزدایرستان ایرانی بودند که این فکر را در سراسر گیتی پخش کردند که خداوندی که خالق جهان است، جسم ندارد و از سنگ و آهن آزرده نمی‌گردد. قوم یهود که تنها ملت یکتاپرست (بعد از ایران) قدیم است، یکتاپرستی خود را مدیون ایرانیان می‌باشد.

ژنرال سرپرسی سایکس در کتاب تاریخ ایران خود می‌نویسد: اگر دین پاکیزه زردشت به‌نحو خاص اثری در دین یهود نداشته باشد، لامحاله این تأثیر را داشته که اعتقاد به پرستش خدای مخصوص به یک قبیله و طایفه را تضعیف نموده و تصویر یک خدای واحد بزرگی را

که به همه‌ی ملل تعلق داشته باشد قوت بخشیده است.

وی در جای دیگر می‌نویسد: پاکیزگی و علو نظری که در تعلیمات زردشت نسبت به آهورامزدا هست، زیاده از آن است که بنی اسرائیل نسبت به «یهوه» خدای طایفه‌ی خود داشته‌اند و این عبارت را از قول یهوه، خدای بنی اسرائیل به‌عنوان شاهد می‌آورد: اگر شمشیر درخشنده‌ی خود را تیز کنم و دستم محکم بچسبید، از دشمنانم انتقام خواهم کشید و به کسانی که با من دشمنی دارند، سزا خواهم رسانید. تیرهای خود را از خون سیراب می‌گردانم و شمشیرم گوست خواهد خورد.»

پروفسور آهورابهام پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران می‌نویسد: هرگاه تأثیرات ایران در ادیان مهم جهان وجود نداشت، هیچ دین مهمی بصورت امروزی نبود. به نوشته‌ی ژ. درمویل، زردشت برآستی نخستین مصلحی است که به تبلیغ یگانه‌پرستی و عظمت خداوندی پرداخت و به خدای یگانه و توانایی که کبرایی او بیش از خدایان دیگر است، معتقد شد.

تعالیم اخلاقی و خداشناسی زردشت، با جهان‌بینی نوینی که همان وسعت نظر و تعمیم مبارزه‌ی خیر و شر است همراه می‌باشد.

زردشت، تهور شگفت‌آوری، آداب مذهبی را از اصل دگرگون کرد. وی نه تنها مراسم قربانی را منع کرد، بلکه ریختن شراب بر خاک و رسم سوما را نیز که در نزد هند و اروپاییان بسیار محترم بود از آداب مذهبی حذف کرد.

آهورامزدا، یگانه خدای توانا و دانا، خدایی است که جهان را به نیروی اندیشه‌ی خود پدید آورد و خود نیز با توانایی بی‌کران بر سازمان آفرینش سامان بخشیده و فرمان می‌راند. او خداوند دادگری است که بر پایه‌ی دادگری، دین‌روی ناسازگار و وارونه‌ی پدیدآرندگی و تباهی یا آفرینش و نیستی، یا نیکی و بدی، افزایش و کاستی را خود در سازمان آفرینش خویش به‌کار می‌برد.

شاعر و فیلسوف بزرگ هندوستان، رابیندرانات تاگور، می‌گوید: بزرگ‌ترین پیشامد تاریخی ایران، همان پیدایش مذهب زردشت است. نخستین کسی است که اندیشه‌ای استوار و معنوی با روشی آشکار از برای دین برقرار نمود و در آن واحد، مردم را به پرستش خدای یگانه رهنمون گشت و بنیادی جاودانه از برای نیکی و رسایی بی‌ریزی نمود.

دانشمند آمریکایی «وینی» گفته است: ایران در زمان کهن، برای جهان قانون وضع نمود و مذهب پدید آورد. این مذهبی است که در آوستای زردشت بیان شده است.

در همه‌ی ادیان توحیدی ما تأثیر عرفان ایرانی را می‌بینیم. در اسلام نیز عرفان اسلامی زاینده تفکر عرفا و دانشمندان ایرانی بوده است.

اثر نفوذ ایران در دین یهود پس از رجعت از تبعید، مورد قبول عده‌ی زیادی از دانشمندان مختلف السلیقه است. میلز در چند کتاب، از آن جمله در کتاب دین در ایران قدیم، که در سال ۱۹۲۳ چاپ شده، این موضوع را رسماً طرح و بیان نموده است. ستر و

بوکلن نیز این امر را تأیید کرده‌اند و بوسه نیز در کتاب خود این مطلب را بیان داشته. وان گال در کتابی که در ۱۹۲۶ چاپ کرده، فهرستی از وجوه تشابه بین دین ایران قدیم و یهود را می‌شناساند و در همهی موارد نتیجه می‌گیرد که یهودی‌ها در عقاید خود تابع عقیده‌ی ایرانیان بوده‌اند. شارل اوتران در کتاب‌های خود، ایران را سرچشمه‌ی واقعی عقاید یهود و مسیحیت معرفی می‌کند. ولنی نیز نفوذ ایرانی را بر عقایدی که به‌نظر عقاید یهود در دوره‌ی بعد از تبعید آنهاست، در مورد نامیرایی روح، درباره‌ی جهنم و بهشت، غصیان شیطان و غیره در کتاب خود موسوم به خرابه‌ها بیان می‌دارد. می‌توان وجوه تشابه بین دین ایران قدیم و یهود را به طریق زیر خلاصه کرد:

۱- شریعت هزاره‌ها پس از تبعید انتظار آمدن یک شاه نجات دهنده یا مسیح موعود از خانواده‌ی داود که استقلال یهود را به آن باز خواهد گرداند و او را علیه تمام دشمنان‌اش پیروز خواهد ساخت، بالاخره منجر به یک فکر عالی‌تر و اخلاقی‌تر شد، بدین معنی که در عین این که نجات بنی‌اسرائیل از لوازم ظهور شخص منتظر بود، ولی ظهور او دیگر به‌صورت نجات موعود خلقت پایان می‌یافت و دنیای نوری آغاز می‌شد و مردم به‌طور کلی به دو گروه تقسیم می‌شدند: خوبان و صلحا و بدان و اشرار. گرچه این تغییر فکر تدریجی صورت گرفت، ولی به‌صورت جدید کاملاً یادآور فکر و دین ایرانی بود و بسیاری از دانشمندان از آن جمله بوسه بدون هیچگونه شک و تردیدی آن را به اثر و نفوذ عقاید ایرانی در دین یهود نسبت می‌دهند و درواقع می‌توان گفت که مسیح موعود یهود و سوشیانت زردشتی به‌صورتی کلی و عام به هم شباهت دارند.

۲- وحدانیت خداوند و تعلق او به همهی اقوام: ایرانیان اولین ملتی هستند که اعتقاد به پرستش خدای مخصوص به یک قبیله و طایفه را تضعیف نموده و تصویر یک خدای واحد بزرگی را که به همهی ملل تعلق داشته باشد، جایگزین ساختند و یهودیان تنها بعد از تبعید و تماس با عقاید ایرانی است که در نحوه‌ی دیدشان تغییری حاصل شده و یهوه خدای قبیله‌شان تغییر شکل داده و خدای واحد و عام برای همهی مردمان شده و از طریق آنان این فکر در دین مسیح و اسلام نیز رسوخ کرده است.

۳- بقای روح پس از مرگ: بقای روح را ابتدا زردشت و ایرانیان به دنیا تعلیم دادند و بعدها یهودیان این تفکر را از ایرانیان گرفتند. دین مسیح و اسلام نیز همین فکر را از ایرانیان اقتباس کردند.

۴- شریعت مجازات و مکافات پس از مرگ: قبل از اسارت، یهودیان از شریعت مجازات و مکافات بعد از مرگ بی‌اطلاع بودند. وقتی یهودیان با روحانیان ایرانی تماس گرفتند، پی به جهنم و بهشت اوستایی بردند. همچنین یهودیان افکار ایرانی را درباره‌ی معاد جسمانی و رقابت روح پلید و نزدیک شدن زمان خراب شدن عالم و احیای جهان پذیرفتند.

۵- تعریف تاریخ جهان به‌صورت نزاع بین خیر و شر: این امر یعنی دید جهان به‌صورت نزاع بین خیر و شر، که در مذهب یهود به چشم می‌خورد، از مذهب مزدیسنا گرفته شده

است.

این ثنویت که نسبت به مذهب اسرائیل بیگانه است، بعد از دوره ی اسارت در آن مذهب اهمیت خاصی پیدا می‌کند. لشکریان خیر و روشنایی، فرشتگان و نیکوکاران اند و طرفداران شر و یا تاریکی، شیاطین و زشتکاران. از آن پس بر شماره ی فرشتگان و شیاطین در دین یهود افزوده گردید.

۶- شیطان به صورت یک حریف زورمند در مقابل آهورامزدا: شیطان در کتاب مقدس یهود از ابتدا تغییری فوق العاده کرده است. در کتاب های مربوط به یعقوب یا زکریا، شیطان یا ابلیس، یک عبد و بنده ی حقیر خداوند بیش نیست، که به او نقش رنج دهنده و عذاب دهنده ی مردم محول شده به تدریج به صورت یک حریف زورمند درمی آید و در دو مورد یعنی در کتاب شمویل و در کتاب تواریخ که هر دو یک داستان واحدی را بیان می‌کند، شیطان در واقع جای خداوند را در روی کره ی زمین می‌گیرد. همچنین شیطانی که در کتاب ایوب ظاهر می‌شود، یک ملائکه ی عاصی یا یک معارض نیست، بلکه روح شریری است ولی شیطان یهودی ها بعد از بازگشت از شرق یک شاهزاده ی نیرومند و یک شیر ژیان است و این جهان به او تعلق دارد. این شیطان از اهریمن ایرانیان و دین زردشت تقلید شده که خدای تاریکی و ظلمت است.

۷- فرشتگان دین یهود از دین ایرانیان اقتباس شده: همانطور که در دین مزدیسنا در کنار آهورامزدا امشاسپندان قرار گرفته اند، که مظاهر مختلف خداوند می باشند، از برخی جهات این موجودات عالیه در، در واقع همان فرشتگان مذهب یهود از قبیل: میکائیل، جبرائیل و اقنوم های سه گانه ی کلام و روح القدس و خرد می باشند که در مذهب یهود پس از اسارت، اهمیت قابل ملاحظه ای پیدا کرده اند و همه مقتبس از دین ایران هستند. به تدریج یهودیان در برخورد با عقاید ایرانی چنان یهوه را مقام شامخ بخشیدند که دیگر رابطه اش با مخلوق قطع شده بود و لازم بود وسیله ای برانگیخته شود تا رابطه بین یهوه و بندگانش باشد.

۸- اسامی شیاطین نیز در برخی موارد از ایرانیان اقتباس شده است. همچون آسموده که از انشامادئاوا (دیو خشم) مزدیسنا اقتباس شده است.

۹- پل چینود یا پل صراط: عقیده به پل چینود یا پل صراط، در حدود قرن سوم و چهارم میلادی به دین یهود راه یافته و از آن دین به اسلام درآمده است.

آئین مسیحیت نیز اقتباس از دین مهر است:

۱- معروف است که مهر، به محض آن که پا به عرصه ی وجود نهاد، مورد پرستش شبانان قرار گرفت و به متابعت از آن، حضرت مسیح نیز به محض آن که به دنیا آمد، مورد پرستش شبانان قرار گرفت.

۲- مهرپرستان شب اول زمستان را که شب روز اول انقلاب شتوی و اول چله بزرگ زمستان است، به عنوان روز تولد مجدد خورشید مقدس می شمردند و جشن می گرفتند

مسیحیان نیز همین روز را با کمی اختلاف به عنوان روز تولد مسیح جشن می‌گیرند. این عید را مسیحیان در قرن چهارم میلادی وارد دین خود نمودند.

۳- غسل تعمید که در بین پیروان مهر معمول بود، بعداً به وسیله‌ی مسیحیان پذیرفته شد و هنوز هم جزو آیین مسیح معمول است.

۴- یکشنبه که روز آفتاب یا مهر است، روز عبادت و راحت مسیحیان گشت و هنوز هم بنام سان دی در انگلیس معروف است. سان در زبان آوستایی نیز به معنی خورشید است.

۵- ناقوس و شمع و نوازدنگی در حین پرستش از آئین مهر اقتباس شده است.

۶- دوازده برج آسمانی که یاران مهر بودند، در دین مسیح دوازده حواریون مسیح شدند.

۷- علامت صلیب که قبلاً علامت پیروان مهر بود، توسط مسیحیان نیز پذیرفته شد.

۸- مهر را پیروان مهر و مسیح را مسیحیان داور اعمال بشر می‌دانستند.

۹- مهر برای پیروان‌اش و عیسی برای مسیحیان میان آفریننده و آفریدگان حکم میانجی و واسطه را داشت.

۱۰- مهر ایزد عهد و میثاق است و کتاب انجیل را کتاب عهد جدید می‌خوانند.

۱۱- در آغاز شیوع دین بلکه در حین ترقی دین مسیح، مسیحیان مانند پیروان مهر برای پرستش خود انجمن‌های سری داشتند که اغلب در بن غارها تشکیل می‌شد و یا در جایی که چهارپایان باشند گرد می‌آمدند.

۱۲- کلاه اسقفان را امروز میتراگویند که از یک نوع کلاه خاص ایرانی اقتباس شده که در بین پیروان مهر متداول بوده است.

۱۳- هنگامی که مهر در می‌یابد عمرش به پایان رسیده، مجلس ضیافتی برپا ساخت و آخرین شام را با همراهان خود صرف کرد، آنگاه برارابه نشست و در آسمان به آهورامزدا پیوست.

عیسی مسیح نیز شب قبل از مصلوب شدنش، بنابه روایت با حواریون خود شام را صرف کرد و سپس بعد از این که او را به صلیب کشیده و دفن کردند، به آسمان نزد پدر خود یعنی خداوند رفت.

۱۴- نان و شراب نیز که هم‌اکنون جزو مراسم مسیحیان است، از مراسم مهریان اقتباس شده است.

مسیحیان علاوه بر آنچه بدین طریق از ایران توسط دین مهر به عاریت گرفتند، از طریق دین یهود و برخورد با مغان، بسیاری از اصول اساسی دین خود را نیز از ایرانیان اقتباس کردند. از آن جمله است که اعتقاد به معاد و روز رستاخیز و بهشت و جهنم و وجود عنصر اغواگر و شریر موسوم به شیطان و اعتقاد به خدای واحد و یگانه و امثال اینها. تأثیر عرفان و ادیان ایرانی بر اسلام نیز قابل توجه است.

فلسفه‌ی اجتماعی اسلام بر بنیاد نیکوکاری است و از میان رفتن آن نتیجه‌ی بدکاری می‌باشد. به همین جهت با بنیاد فرهنگ ایران باستان ارتباط دارد و هر دو فرهنگ این دو

اصل را زیربنای شئون اجتماعی قرار می‌دهند، استواری و از میان رفتن جامعه را نتیجه‌ی نیکوکاری و بدکاری می‌دانند، از نظر قرآن اقوامی پایدار مانده‌اند که نیکوکاری را شعار خود ساخته‌اند، مللی از میان رفته‌اند که بدکاری در جامعه‌ی آنان راه داشته است، می‌توان فلسفه‌ی اجتماعی اسلام را بر بنیاد نیکوکاری و گناهکاری قرار داد. بنابراین باید به تعریف نیکوکاری و رفتار ناروا در اسلام پرداخت و سپس فلسفه‌ی تاریخ را از آن بیرون کشید.

ادوارد براون می‌نویسد: در عالم دین، ایران زردشت را برای بشر به وجود آورد که دین یهود به شکل وسیع و در اسلام به درجات مختلف از آن اخذ و اقتباس کرده‌اند و مانی را به وجود آورد که ایران را مرکز مذهب غربی نمود و قرن‌ها در عالم مسیحیت و اسلام تأثیر کرد.

هورتن در کتاب خود بنام «فلسفه‌ی اسلام» صریحاً در ص ۱۲ می‌نویسد: فلسفه‌ی اسلام از ایران برخاسته است.

گلدزیهر آلمانی، در تبعات خود درباره‌ی اسلام، تأثیر دین زردشت را در دین اسلام مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که موروثی شدن سلطنت در خانواده‌ی پیغمبر، اتحاد دین و دولت، آداب مذهب، پل صراط و مبحث طهارت و نجاست مستقیماً از مذهب زردشت اخذ شده است. بهشت و جهنم، و معاد نیز از طریق دین یهود در اسلام مؤثر افتاده و جالب آن است که لفظ پردیس یعنی باغ ایرانی یا بهشت، فردوس عربی شده است. مسجد عربی نیز از مرگت اوستایی اخذ شده. جالب است که تعداد نمازهای روزانه‌ی زردشتی و مسلمین هر دو پنج تا است. تقریباً موقع انجام آنها نیز باهم قابل تطبیق می‌باشد. نجس شمردن زنان حیض و لزوم تطهیر از لوازم دین زردشتی بوده است. بطوری که پروفیسور کریستنسن می‌نویسد: زکات و دادن صدقه و گرفتن روزه و وضو و در صورت فقدان آب تیمم کردن با خاک یا چیزهای دیگر و گذاردن نماز همه در آیین مانی آمده بود.

موارد تشابه در آیین زردشت و اسلام بسیار زیاد است و تقریباً همه‌ی موارد دینی اسلام نیز در آیین زردشت وجود دارد. چه اشکال داشت به جای آهورامزدا، الله بگویند. جای زردشت نیز که در دل و نظرشان خالی بود. شیطان در برابر اهریمن، قرآن و آوستا، در دین جدید نیز، مثل دین کهن، هم وضو می‌گرفتند و هم نماز پنج‌گانه می‌خواندند. هفده رکعت در روز گرچه مانوی‌ها هر روز پنج‌گاه نماز می‌خواندند و پیش از نماز وضو می‌گرفتند و در صورت نبودن آب تیمم می‌کردند. در هر حال اختلافی نبود. بیشتر نماز را تکلیف عمومی می‌دانستند و به گناه و خطای خود اعتراف می‌کردند و از خدا آمرزش می‌طلبیدند و زکات می‌دادند. صدقه از واجبات بود. آورندگان دین جدید نیز همین‌ها را می‌گفتند.

همچنین مسطح شدن زمین در آخرالزمان، بقای روح، معاد جسمانی پس از مرگ، روز قیامت، کشیدن اعمال خوب و بد در ترازو، به وسیله‌ی ملائکه‌ی سبزه‌پوش، سپس رفتن از روی پل چینوت به سوی بهشت یا دوزخ و مانند این‌ها در دین زردشتی، به اعتقادات و معاد و جریانات بعدی آن در دین نو شباهت داشت. اوراد، ادعیه، روزه، جهاد، حجاب زنان که

مردم از دیرباز با آن‌ها سر و کار داشتند. نمازخانه با آن گنبد و مناره، که از ویژگی‌های سرزمین‌های گرمسیری است، در دین جدید، خیلی بیشتر از دین کهن جدی گرفته می‌شد. و جلب اعتماد می‌کرد. در دین نو هم انمی دین وجود داشتند که می‌توانستند همچون ایزدان واسطه‌هایی بین بندگان گناهکار و خدای بخشنده و مهربان باشد.

زیارتگاه‌های چند هزار ساله مانند آذرگشسب و آذریرزین و آذر فرنبغ در کردستان، فارس، خراسان و معبد آناهیتا در کنگاور کردستان و بسیاری دیگر زیارتگاه‌های فرعی وجود داشتند که به زودی زیارتگاه‌هایی جدید می‌توانست جای آنها را بگیرد.

وجود تشابه دیگری بین دین باستانی ایران و دین اسلام وجود داشت، مثل تحریم پوشیدن ابریشم، باز شدن معجزه‌آسای سینه‌ی پیامبر اسلام توسط ملائکه، برای تطهیر آن و باز شدن سینه‌ی حضرت زردشت توسط فرشتگان و معراج زردشت و ربط دادن آن به معراج پیامبر اسلام. حرام بودن استفاده ادرار کردن، عذاب شب اول مردگان گناهکار و بسیاری دیگر از این قبیل.

دو گوهر و نیروی جهانی که در زردشتی‌گری وجود دارد؛ در اسلام نیز آمده است. در گاتاها آمده: آن دو گوهر دیرینه، که در پندار آشکار شده‌اند، خوبی و بدی در اندیشه و گفتار و کردار است و از میان این دو دانا نیک را برگزیند و نادان زشت را. مسأله‌ی خیر و شر که در گاتاها آمده، در انجیل و تورات و قرآن نیز آمده است. راه شیطان و ضلالت در برابر راه راست. همانگونه که در قرآن مجید، سوره‌ی ۱۵، آیه‌ی ۴۳ به این مسأله اشاره شده. همچنین در سوره‌ی ۹۰ / آیه‌ی ۷ تا ۱۰، عقل و ادراک و تاریکی بحث شده که در خدا و شیطان نمود پیدا کرده است. ادراک خدا نیز همانگونه که در یسنا آمده، در قرآن مجید نیز تکرار شده است.

ای مزدا آهورا! هنگامی که دریافتم تویی آغاز، تویی انجام، تویی شایان پرستش، تویی پدر منش پاک، تویی آفریننده‌ی راستی و درستی، تویی داور و دادگر کارهای روزهای زندگانی ما. پس دیده‌ی خود را جای تو ساخته‌ام. یسنا / باب ۳۱ / آیه‌ی ۶

برتری خدا: درباره‌ی برتری خدا در آوستا و قرآن چنین آمده:

او برترین تمام موجودات است. (یسنا / باب ۴۴ / آیه‌ی ۱۷)

او بهترین موجودات است. (یسنا / باب ۲۸ / آیه‌ی ۸)

او قادر و قاهر است. (یسنا / بابا ۴۳ / آیه‌ی ۴)

ذات‌اش محل حدوث حوادث نیست. (یسنا / باب ۳۱ / آیه‌ی ۸)

او آفریننده‌ی همه‌ی موجودات است. (یسنا / باب ۴۵ / آیه‌ی ۶)

او اول بلا اول است. (یسنا / بابا ۴۵ / آیه‌ی ۶)

او اول بلا اول است. (یسنا / باب ۲۸ / آیه‌ی ۳)

او است فارق میان حق و باطل. (یسنا / باب ۴۴ / آیه‌ی ۱۵)

او است قبله‌ی نیاز و حاجت. (یسنا / باب ۴۶ / آیه‌ی ۹)

او است آفریننده‌ی جان و وجدان و قلب و ضمیر انسان. (یسنا / باب ۳۱ / آیه‌ی ۱۱)
 او است اکرم اکرمین و ارزق‌الرازقین. (یسنا / باب ۲۸ / آیه‌ی ۵)
 او است دانا و خدای هستی (یسنا / باب ۲۹ / آیه‌ی ۶)
 او بنیاد بصیر است. (یسنا / باب ۳ / آیه‌ی ۱۳)
 او هر چیز را می‌داند. (یسنا / باب ۳۱ / آیه‌ی ۵)
 او است دانش پاک، دانا و توانا و عادل و رحیم. (یسنا / باب ۲۸ / آیه‌ی ۱)
 در قرآن مجید نیز همانند این جملات آمده است. از جمله: سوره‌ی ۲ / آیه‌ی ۱۴۹ و
 ۲۵۶- سوره‌ی ۵ / آیه‌ی ۷۷- سوره‌ی ۱۰ / آیه‌ی ۱۰۵ و ۱۰۷- سوره‌ی ۱۹ / آیه‌ی ۹۱ تا
 ۹۴- سوره‌ی ۲۸ / آیه‌ی ۸۸- سوره‌ی ۳۱ / آیه‌ی ۱۲- سوره‌ی ۳۸ / آیه‌ی ۶۵- سوره‌ی ۴۵ /
 آیه‌ی ۶۴ و ۶۶- سوره‌ی ۷۲ / آیه‌ی ۳.
 نور، نماد خدا و قلبه‌ی ایرانیان: زردشتیان به سوی نور نیایش می‌کردند و می‌کنند و نور
 را بخشی از آهورامزدا و تمام خدا می‌دانستند. در قرآن نیز خدا نور آسمان‌ها و زمین دانسته
 شده است. در سوره‌ی زمر / ۲۲ آمده: آیا آن کس را که خدا برای اسلام شرح صدر عطا
 فرمود، که وی نور الهی روشن است.
 سوره‌ی زمر / ۶۹: و زمین محشر به نور پروردگار روش گردد.
 سوره‌ی صف / ۸: کافران بخواهند که نور خدا را به گفتار باطل خاموش کنند، البته خدا
 نور خود را تمام و کمال نگاه خواهد داشت.
 سوره‌ی توبه / ۳۲: کافران می‌خواهند که نور خدا را به نفس تیره و گفتار جاهلانه‌ی خود
 خاموش کنند.
 سوره‌ی نور / ۳۵: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.
 سوره‌ی فاطر / ۲۰: و هیچ ظلمت با نور برابر نخواهد بود.
 سوره‌ی حدید / ۹: تا شما پندگان را از ظلمت بیرون آورده و به نور رهبری کند.
 به جز این دو کتاب، کتاب دیگری نیز در حال چاپ می‌باشد به نام «خدمات تمدنی
 فرهنگی ایران به اسلام». هدف ما از انتشار چنین کتاب‌هایی پرداختن به عرفان و
 خداشناسی ایرانیان است. ایرانیان هزاران سال قبل از آیین‌های یهود و مسیح و اسلام
 خداپرست و خداشناس بوده‌اند و ما تأثیر عرفان ایرانی را در همه‌ی ادیان توحیدی نیز
 می‌بینیم. همه‌ی این‌ها مشترکات و همانندی‌های ادیان توحیدی را می‌رساند که اکمل این
 ادیان در دین مبین اسلام نمایان است. امید است این اثر نیز مورد پسند پژوهشگران،
 اندیشمندان، ایران‌شناسان و دانشجویان فرزانه قرار گیرد.

تهران. تابستان ۹۱۳۷ مادی

برابر با ۱۳۸۷ خورشیدی خیامی

دکتر فاروق صفی‌زاده